

رابطه سرمایه اجتماعی و انواع قانون‌گریزی در بین کارکنان دولت در شهر خرم آباد*

سهراب مظفری نیا^۱

نوش آفرین صفری^۲

زهرا طاهری^۳

چکیده

ضرورت مطالعه و بررسی قانون‌گریزی به عنوان یک مسئله‌ی اجتماعی همواره از سوی صاحب‌نظران و محققان اجتماعی مطرح بوده است. ارتباط قانون‌گریزی با سایر متغیرهایی که می‌توانند این جریان را کند یا تند نمایند بسیار با اهمیت است، از آن میان می‌توان به سرمایه اجتماعی اشاره نمود که می‌تواند با قانون‌گریزی ارتباط داشته باشد. هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه‌ی سرمایه اجتماعی با قانون‌گریزی است. این تحقیق به روش پیمایش و با استفاده

^۱ - مربی گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، خرم آباد، ایران (مؤلف مسئول) (mozafary1388@yahoo.com)

^۲ - مربی گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، خرم آباد، ایران (safari419@gmail.com)

^۳ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، دانشگاه اصفهان، ایران (ztaheri2007@gmail.com)

^۴ این تحقیق با حمایت مادی و معنوی دانشگاه پیام نور مرکز خرم آباد انجام گرفته است.

از پرسشنامه‌های استاندارد شده بات، رضایی، مبارکی و چلبی داده‌ها جمع آوری شد، جامعه آماری شامل کلیه کارمندان شهر خرم آباد بود و تعداد حجم نمونه شامل ۳۶۴ نفر از کارکنان دولت در شهر خرم آباد بود. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از روشهای آماری ضریب همبستگی پیرسون، آزمون رگرسیون یک متغیره و چند متغیره استفاده شد.

مهمترین یافته پژوهش وجود رابطه منفی و معنادار بین قانون‌گریزی و سرمایه اجتماعی و وجود رابطه مثبت و معنادار بین قانون‌گریزی با کنترل اجتماعی غیررسمی و احساس انومی در بین کارکنان بود ($P < 0/05$). با توجه به تأثیر سرمایه اجتماعی بر قانون‌گریزی توصیه می‌شود مسئولین برنامه‌هایی با هدف افزایش دریافت سرمایه اجتماعی مردم از منابع اجتماعی مختلف طراحی کنند.

واژه های کلیدی: قانون‌گریزی، سرمایه اجتماعی، کنترل اجتماعی غیررسمی،

احساس انومی

مقدمه

افراد هر جامعه‌ای برای تنظیم روابط و رفتارهای اجتماعی خود از هنجارهای اجتماعی استفاده می‌کنند زیرا هنجارهای اجتماعی، الگوهای عینی رفتارهای اجتماعی در هر جامعه‌ای هستند. از متنفذترین گونه‌های هنجاری در هر جامعه‌ای قوانین هستند که با تشریفات و فرایندهای خاصی وضع می‌شوند و سپس انتشار می‌یابند و اجرای آن در جامعه امری لازم و ضروری تلقی می‌شود.

اگر قوانین تدوین شده به گونه‌ای باشند که نتوانند قالب مناسب برای تنظیم رفتار اجتماعی باشند یا این قوانین در هماهنگی با دیگر هنجارهای اجتماعی نباشند، در این صورت با یک معضل و مسئله اجتماعی به نام قانون‌گریزی مواجه هستیم. این وضعیت به پیش‌بینی ناپذیر بودن رفتارها می‌انجامد و موجبات افزایش ریسک در حوزه‌های مختلف رفتار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌شود و به کاهش مشارکت مؤثر و کارکرد نیروهای انسانی و مادی و در مجموع کاهش بهره‌وری می‌انجامد (عبدی، ۱۳۸۱).

چه متغیرهایی بر قانون‌گریزی تأثیر دارند یا آن را تشدید می‌کنند؟ سؤالی است که در تحقیقات مختلف به آن پرداخته شده است. اما از آن میان تأثیر عوامل اجتماعی مانند سرمایه

اجتماعی بر قانون‌گریزی کمتر مورد توجه واقع شده است. قانون‌گریزی که ریشه در ساختار جامعه دارد و نشان از عدم پایبندی به ارزشها و هنجارهای مشترک است با سرمایه اجتماعی در ارتباط تنگاتنگی قرار دارد. بطوری که ارزشها و هنجارهای مشترک ناشی از سرمایه اجتماعی می‌تواند سطح خشونت را در جامعه کاهش داده و در نتیجه از وقوع قانون‌گریزی به شکلهای گوناگون (ابزاری، اعتراضی، اخلاقی) جلوگیری کند (چلبی، ۱۳۸۵).

در واقع قانون‌گریزی نوعی جهت‌گیری نسبت به هنجارهای قانونی جامعه است که منجر به کجروی یا انحراف از قوانین می‌شود (رضایی، ۱۳۸۵). از آن جایی که قانون‌گریزی یک پدیده اجتماعی است و در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه، مورد توجه مردم قرار می‌گیرد و مانع تحقق اهداف و تهدید کننده ارزشها و کمال مطلوب‌های آنها می‌شود و به عنوان پدیده‌های نامطلوب اذهان نخبگان و افکار عموم مردم را به خود مشغول می‌دارد به طوری که نوعی آمادگی جمعی برای مهار آنها پدید می‌آید، به عنوان مسئله اجتماعی پذیرفته می‌شود و این مسئله تمام ویژگی‌های یک مسئله اجتماعی مانند (اجتماعی بودن، تاریخی بودن، واقعی بودن، نسبی بودن، متنوع بودن، قابل کنترل بودن،...) را دارد (عبدالهی، ۱۳۸۳).

با قبول این موضوع که قانون‌گریزی در جامعه ایران یک مسئله اجتماعی است، بر این اساس می‌توان گفت که در شهر خرم‌آباد که جزئی از این کشور است نیز قانون‌گریزی می‌تواند به عنوان یک مسئله اجتماعی دیده شود. در این شهر به علت بیکاری، فقر، فاصله طبقاتی، وجود زندگی حاشیه نشینی ناشی از مهاجرت روستاییان، عدم توسعه مراکز صنعتی و همچنین تضاد میان ارزشهای سنتی و مدرن، قانون‌گریزی به شکل‌های گوناگون دیده می‌شود. وجود انواع تخلف‌های رانندگی، جرائم اقتصادی و امور اخلاقی بیانگر این مسئله است.

با تأیید این موضوع که قانون‌گریزی یک مسئله اجتماعی بوده می‌توان گفت که گرچه جامعه ما در شناخت مسئله اجتماعی موفق بوده، ولی به دلایلی نتوانسته آن را حل کند. شاید یکی از دلایل این باشد که کوشش مؤثری برای دست یافتن به علل این معضل صورت نگرفته است (شیری، ۱۳۹۰). شاید از میان عواملی که گمان می‌رود بر مسئله قانون‌گریزی تأثیر زیادی داشته باشند، سرمایه اجتماعی، احساس آنومی و کنترل غیر رسمی را می‌توان بیرون کشید که بررسی رابطه آن با قانون‌گریزی موضوع این کار پژوهشی است.

بدین دلیل که آسیب‌های اجتماعی ناشی از روابط اجتماعی است که جامعه را به طور جدی تهدید می‌کند. آسیب اجتماعی وقتی به وجود می‌آید که به نظر می‌رسد نهادهای تنظیم‌کننده روابط اجتماعی با شکست روبرو شده که نتیجه آن شکل‌گیری شکاف‌های عمیق بین افراد است. جامعه‌شناسان برای بررسی کمیّت و کیفیت روابط اجتماعی در جامعه از مفهوم سرمایه اجتماعی بهره‌جسته‌اند که عبارتست از منابعی که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر می‌توانند به دست آورند (پوتنام، ۱۳۹۰).

قانون‌گریزی به معنای عدم رعایت قوانین و هنجارهای اجتماعی است، این مسأله چون در جهت مخالف حرکت جامعه موجودیت می‌یابد مانعی بر سر راه توسعه جوامع بشری می‌باشد و سرمایه‌های زیادی باید برای کنترل و ریشه‌کن کردن جریان قانون‌گریزی صرف شود. بنابراین پرداختن به مسئله قانون‌گریزی و ارتباط آن با متغیرهای مرتبط با آن بسیار اساسی می‌باشد. از آن میان سرمایه اجتماعی که ریشه در روابط اجتماعی انسانها دارد، با مسئله قانون‌گریزی رابطه تنگاتنگی دارد. اگر این ارتباط به اثبات برسد می‌توان به جای درمان، پیشگیری را به عنوان راه حل بکار برد و با تقویت سرمایه اجتماعی از میزان قانون‌گریزی کاست.

سرمایه اجتماعی که ناشی از اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی و مشارکت در فعالیت‌های جمعی می‌باشد، می‌تواند پیوند میان انسانها را تقویت کرده و نیرویی برای کنترل ناهنجاری‌های اجتماعی به وجود آورد و به تقویت ارزش‌هایی بپردازد که مانع از وقوع رفتار قانون‌گریزانه می‌شوند. همچنین با تقویت سرمایه اجتماعی، ضمانت اجرایی علیه کسانی که هنجارها را زیر پا می‌گذارند، فراهم می‌آید (نظیر احساس شرم و گناه توسط همسایگان). به همین جهت در حوزه‌های مختلف جرم‌شناسی از سرمایه اجتماعی به عنوان مانع وقوع قانون‌گریزیها یاد می‌شود (شارع پور، ۱۳۸۸).

از دیگر موارد اهمیت این پژوهش شناسایی میزان سرمایه اجتماعی در میان اقشار مختلف جامعه است که این مسئله می‌تواند به شناسایی روند تحولات اجتماعی آن جامعه کمک بکند و سیستم آموزشی را هدایت نماید تا تأکید و تلاش بیشتری در جهت تقویت ارتباطات اجتماعی برای بهینه‌سازی سرمایه اجتماعی که منجر به کاهش قانون‌گریزی می‌شود را انجام دهد.

با توجه به ضرورتهای مطرح شده شناخت رابطه قانون‌گریزی با سرمایه اجتماعی با اهمیت است زیرا وجود سرمایه اجتماعی فراوان در جامعه انواع قانون‌گریزیها را حذف یا کاهش خواهد داد و به عکس وجود سرمایه اجتماعی کم، جامعه را با بحرانهای اجتماعی و شرایط آنومی مواجه خواهد نمود. بنابراین شناخت سرمایه اجتماعی و تأثیرات آن بر انواع قانون‌گریزیها باعث می‌شود که مسئولان این مسأله را مورد توجه قرار دهند که پیشگیری بهتر از درمان است و قبل از وقوع بحرانهای شدید اجتماعی در برنامه های فرهنگی و اجتماعی خود توجه زیادی به افزایش سرمایه اجتماعی داشته باشند و با انتخاب راه‌حلهای مناسب و شناخت علمی از مسائل به پیشرفت جامعه کمک کنند و با این اقدامات که منجر به کاهش قانون‌گریزیها خواهد شد جلو خسارتهایی را که از این راه ایجاد می‌گردد گرفته شود.

پیشینه پژوهش

مبارکی در تحقیقی به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم در سطح خرد و کلان پرداخته است. در سطح خرد که از شاخص های مشارکت اجتماعی، علاقه فراوان به جامعه، اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی، روابط خانوادگی و دوستان، خود باوری، گرایش نسبت به دیگران و کمک یا ایثار نسبت به غریبه‌ها استفاده نموده است با دو گروه زندانیان و افراد عادی پرسشنامه و مصاحبه به عمل آورده و نتایج نشان داد که بین سرمایه اجتماعی و جرم رابطه منفی وجود دارد به طوری که به ازای یک واحد افزایش در سرمایه اجتماعی، جرم (۰/۳۴۸-) واحد کاهش می‌یابد. در سطح کلان که از تحلیل ثانویه استفاده شده و شاخص‌های اعتماد اجتماعی، عضویت سازمانی، اطمینان به سازمانهای مختلف، سطح توسعه اقتصادی و نابرابری درآمد به کار برده شده نیز وجود رابطه منفی بین سرمایه اجتماعی و جرم به اثبات رسیده است به طوری که همبستگی آنها (۰/۵۲۲-) می‌باشد (مبارکی، ۱۳۸۸).

فخرایی (۱۳۸۶) پژوهشی را با عنوان بررسی میزان قانون‌پذیری و عوامل مؤثر بر آن در شهر تبریز انجام داده، در این تحقیق ۵۰۰ نفر از مردم تبریز مورد مطالعه قرار گرفتند. اهداف تحقیق عبارت بودند از: بررسی میزان گرایش شهروندان به قانون و اجرای آن، آگاهی از نگرش مردم درباره رعایت قانون، شناسایی عمده‌ترین عوامل مؤثر بر رعایت قانون. بر پایه نتایج بدست آمده میزان گرایش مردم به قانون ۵۷ درصد بوده، بین میزان گرایش به قانون و شغل افراد رابطه معنی‌داری مشاهده نشده در صورتی که بین درجه قانون‌پذیری و متغیرهای سن و

تحصیلات رابطه معناداری وجود داشت. زنان بیش از مردان به قانون احترام می‌گذاشتند، همچنین سایر متغیرهای معنادار با درجه قانون‌پذیری عبارت بودند از پایین بودن سطح آگاهی‌های عمومی، انضباط اجتماعی، تربیت نادرست خانوادگی، تأثیر عملکرد مجریان قانون، مشکلات اخلاقی و روحی، مشکلات اقتصادی، احساس انومی و ضعف قوانین.

کندی و همکارانش (۲۰۰۰) در تحقیقی به بررسی رابطه بین جرم و سرمایه اجتماعی پرداختند، فرضیه این بود که ابتدا افزایش شکاف بین ثروتمند و فقیر باعث سست شدن انسجام اجتماعی یا فرسایش سرمایه اجتماعی گردیده و سپس کاهش سرمایه اجتماعی باعث افزایش قتل با اسلحه گرم و جرم خشونت آمیز می‌شود و سرمایه اجتماعی را از طریق پاسخ‌های بار شده بر روی دو گویه از پیمایش اجتماعی عمومی U.S (میزان عضویت در گروه‌های داوطلبانه در هر ایالت و سطح اعتماد اجتماعی در آن) مورد سنجش قرار دادند، در این تحقیق همچنین داده‌های مربوط به میزان قتل با اسلحه برای سالهای ۱۹۹۱-۱۹۸۷ سرقت مسلحانه و میزان بروز ضرب و شتم برای سالهای ۱۹۹۴-۱۹۹۱ برای هر یک از ۱۵۰ ایالت امریکا جمع‌آوری گردید. نتایج نشان داد که نابرابری درآمد همبستگی قوی با جرم خشونت آمیز مسلحانه ($r=0/76$) و نیز با معرفهای سرمایه اجتماعی (میزان عضویت گروهی $r=0/40$ و کمبود اعتماد اجتماعی $r=0/73$) دارد. همچنین کمبود اعتماد اجتماعی ($r=0/83$) و میزان عضویت گروهی ($r=0/49$) با میزان جرم خشونت آمیز رابطه داشته است.

مبانی نظری پژوهش

تئوری‌های زیادی سعی نموده‌اند رابطه سرمایه اجتماعی و جرم را بررسی نمایند. در این پژوهش از تئوری‌های انتخاب عقلانی، بی‌سازمانی اجتماعی، انومی دورکیم، انومی مرتن و پیوند افتراقی ساترلند استفاده شده است. در هر یک از این تئوری‌ها سعی شده از مفهوم سرمایه اجتماعی یا یکی از معرفهای آن برای کمک به تبیین توانایی‌های متفاوت اجتماعات انسانی نسبت به حل دامنه وسیعی از مسائل جمعی مانند انواع قانون‌گریزی‌ها استفاده کرد.

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی

این رویکرد پس از جنگ جهانی اول و در پاسخ به مجموعه خاصی از شرایط در جامعه به عرصه آمد. سه عامل مهاجرت، شهرنشینی و صنعتی شدن زمینه وسیع اجتماعی را برای ایجاد

شرایط نامطلوب ایجاد نمودند. محصولات این شرایط انواع قانون‌گریزیها، بیماری‌های روانی، الکلیسم، اعتیاد و انواع بزهکاری جوانان بود. تئوری بی‌سازمانی اجتماعی در پاسخ به این شرایط بوجود آمد تا مسائل ایجاد شده را تبیین کند.

تئوری بی‌سازمانی اجتماعی، اخیراً بر روی شکل مستقیم کنترل غیررسمی یا ثمربخشی جمعی متمرکز شده است. یعنی توانایی مداخله مؤثر در مسائل محله و نظارت ساکنین برای حفظ نظم عمومی. این تئوری فرض نموده چنانچه این مکانیسم‌های مکمل ضعیف گردند، ثمربخشی جمعی به ترتیب برای نمایان ساختن دامنه وسیعی از شرایط سطح کلان از قبیل فقر، شهرنشینی، صنعتی شدن، دگرگونی جمعیت و ناهمگونی قومی-نژادی در نظر گرفته شده است. در صورتی که آنها افزایش یابند، شدت همبستگی و کنترل غیررسمی کاهش می‌یابد، در نتیجه کاهش همبستگی قانون‌گریزی افزایش پیدا می‌کند.

استدلال تئوری بی‌سازمانی اجتماعی این است که قانون‌گریزی نتیجه کاهش کنترل‌های اجتماعی غیررسمی می‌باشد. بر طبق تئوری بی‌سازمانی اجتماعی، سرمایه اجتماعی اساس کنترل اجتماعی است، به خاطر اینکه آن نیروی جمعی بیرونی را برای تحمیل نظم به وجود می‌آورد، آن چیزی است که گروه‌ها نسبت به تحمیل هنجارها و در نتیجه نسبت به افزایش سطوح کنترل غیررسمی شان توانا می‌سازد. بنابراین اجتماعات سازمان نیافته تا حدودی از قانون‌گریزی و شرایط منفی دیگر رنج می‌برند به خاطر این که، آنها قادر به انباشت سرمایه اجتماعی لازم نیستند.

تئوری انتخاب عقلانی

بر طبق این تئوری رفتار قانون‌گريزانه تابعی است از برآورد شرایط در مواقع مختلف. یعنی اگر انسان با راه‌های مختلف مواجه شود از میان آنها راهی را که بیشترین فایده را داشته باشد انتخاب خواهد کرد. انسان این کار را با آگاهی از عواقب عمل انجام می‌دهد، یعنی شخص به عواقبی مانند جریمه، تنبیه، زندان و سایر موارد آگاهی کامل دارد و زمانی که سود قانون-گریزی بر جریمه آن بچرید به این عمل مبادرت می‌نماید و اگر جریمه و خطرات آن بزرگتر از سود آن باشد از انجام آن صرف نظر می‌نماید.

بنابراین اگر در جامعه‌ای موانع کمتری برای قانون‌گریزی وجود داشته باشد افراد سود خالص خود را از قانون‌گریزی افزایش خواهند داد و این امر ممکن است ویژگی جوامع بی‌نظم باشد. سود خالص قانون‌گریزی همچنین در جایی افزایش می‌یابد که منبع درآمدی جایگزین (که بستگی به سرمایه اجتماعی، انسانی و فیزیکی دارد) برای دستیابی به اهداف فردی کافی نباشد (لیتل، ۱۳۸۴).

تئوری آنومی مرتن

مرتن جامعه را ترکیبی از عناصر ساختاری به ویژه فرهنگ و ساختارهای اجتماعی می‌داند که اولی تعیین‌کننده ارزشها و اهداف و دومی تعیین‌کننده قواعد جمعی و راه‌های نهادینه و مشروع رسیدن به اهداف است. الگوهای رفتاری یا شیوه‌های سازگاری هم‌نوایانه یا ناهم‌نوایانه افراد و پیامدهای آن‌ها در جامعه تابعی از نوع و میزان پیوستگی یا گسستگی بین کارکردهای این دو عنصر ساختاری و چگونگی پاسخ افراد به شرایط حاصل از نحوه ترکیب و کارکرد این عناصر ساختاری است. مرتن مسائل اجتماعی را پدیده‌های جمعی، واقعی، عینی، قانونمند و نسبی می‌داند که حاصل ناهماهنگی عناصر ساختاری نظام اجتماعی‌اند. با توجه به ریشه ساختاری مسائل اجتماعی، می‌توان گفت که نوع و میزان آنها تابع و میزان گسستگی است که بین فرهنگ و ساختارهای اجتماعی به وجود می‌آید. این عدم توازن ساختاری و کارکردی ضمن تضعیف انسجام نظام اجتماعی زمینه فرهنگی- اجتماعی لازم را برای کجروی و شکل-گیری شیوه‌های تطابق ناهم‌نوایانه فراهم می‌سازد.

مفهوم آنومی در نظریه مرتن حاصل شرایط نابسامان ساختاری است. وضعیتی که در آن تناسبی بین آرمانها و اهداف نهادی شده و وسایل نهادی شده جامعه وجود ندارد. این وضعیت ساختاری، کنشگران را به سوی قانون‌گریزی سوق می‌دهد. افراد جامعه در برخورد با وضعیت آنومی پاسخ‌های انطباقی متفاوتی نشان می‌دهند که از میان چهار سنخ انحراف مورد نظر مرتن، نوآوری و شورش بیش از همه با پدیده قانون‌گریزی همخوانی دارد (رضایی، ۱۳۸۵).

با توجه به نظریات مطرح شده در بالا می‌توان گفت که ناهم‌نوایی یا قانون‌گریزی ریشه در ساختار جامعه دارد و سرمایه اجتماعی هم که حاصل و نتیجه ساختار اجتماعی است با ناهم‌نوایی مورد نظر مرتن یا همان قانون‌گریزی ارتباط دارد به این شکل که در ساختارهای

معیوب میزان سرمایه اجتماعی کاهش خواهد یافت و این امر به افزایش قانون‌گریزی می‌انجامد، برعکس در ساختارهای سالم سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد و در نتیجه باعث کاهش قانون‌گریزی خواهد شد.

نظریه پیوند افتراقی ساترلند

ساترلند بر این باور بود که بی‌سازمانی اجتماعی نقش مهمی در قانون‌گریزی ایفا می‌کند. ساترلند در اثر خود بیشتر به فرآیندی که طی آن شخصی قانون‌گریز می‌شود توجه نشان داده تا شرایط ساختاری که قانون‌گریزی را تشویق می‌کند. ساترلند در نظریه پیوند افتراقی اظهار داشته که افراد قانون‌گریزی‌ها را در گروه‌های اولیه می‌آموزند (ارل، ۱۳۸۶).

انگیزه، نگرش و روش قانون‌گريزانه است که به طور مؤثر به ارتکاب مکرر این عمل می‌انجامد. پیوستن به قانون‌گريزان یا جدا شدن از غیر قانون‌گريزان (پیوند افتراقی) به فراگیری مطالبی می‌انجامد که موافق تخلف از قوانین است.

ساترلند عواملی را که تأثیرپذیری افراد از قانون‌گريزان را تعیین می‌کند به شرح زیر معرفی می‌نماید:

- ۱- اولین عامل، شدت تماس‌هایی است که با دیگران برقرار می‌شود. یک شخص بیشتر از این که به وسیله آشنایان دور خود که قانون‌گريز هستند، متأثر شود، تحت تأثیر دوستان قانون‌شکن و اعضای خانواده خود قرار می‌گیرد.
- ۲- دومین عامل، سن شخص به هنگام برقراری تماس با دیگران در ایام کودکی و جوانی بسیار قوی‌تر از دوران‌های زندگی است.
- ۳- سومین عامل، نسبت تماس با قانون‌گريزان در مقایسه با تماس با هم‌نویان است (صدیق، ۱۳۸۲).

فرضیات

فرضیه اصلی

۱- بین سرمایه اجتماعی و قانون‌گریزی در میان کارکنان دولتی رابطه وجود دارد.

فرضیه های جزئی

- ۱- بین احساس آنومی و قانون‌گریزی در میان کارکنان دولتی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین کنترل اجتماعی غیر رسمی و قانون‌گریزی در میان کارکنان دولتی رابطه وجود دارد.
- ۳- سرمایه اجتماعی از طریق احساس آنومی دارای تأثیر غیرمستقیم بر قانون‌گریزی در میان کارکنان دولتی است.
- ۴- سرمایه اجتماعی از طریق کنترل اجتماعی غیررسمی دارای تأثیر غیرمستقیم بر قانون‌گریزی در میان کارکنان دولتی است.

اهداف

هدف کلی

- ۱- تعیین رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی و قانون‌گریزی در میان کارکنان دولتی

اهداف جزئی

- ۱- تعیین رابطه‌ی بین احساس آنومی و قانون‌گریزی در میان کارکنان دولتی
- ۲- تعیین رابطه‌ی بین کنترل اجتماعی غیررسمی و قانون‌گریزی در میان کارکنان دولتی
- ۳- تعیین تأثیر غیرمستقیم سرمایه‌ی اجتماعی بر قانون‌گریزی از طریق احساس آنومی در میان کارکنان دولتی
- ۴- تعیین تأثیر غیرمستقیم سرمایه‌ی اجتماعی بر قانون‌گریزی از طریق کنترل اجتماعی غیر رسمی در میان کارکنان دولتی

روش تحقیق

چارچوب نظری پژوهش از طریق روش اسنادی تهیه شده و روش پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه به روش پیمایشی صورت گرفته است. تحقیق ماهیت کاربردی و از نظر وسعت پهنانگر است.

جامعه آماری، حجم نمونه، روش نمونه گیری

جامعه آماری کلیه کارمندان شهر خرم آباد می باشد که بر اساس آمار استانداری در سال ۱۳۹۳، ۲۵۰۰۰ نفر کارمند در این شهر مشغول به کار می باشند که برای انجام این کار تمام ادارات دولتی در شهر خرم آباد لیست شده و از میان آنها نمونه گیری بعمل آمد.

حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۶۴ نفر محاسبه شد. با توجه به حجم هر یک از بخش ها در جامعه، از بخش اقتصادی ۵۵ نفر، بخش خدماتی ۵۵ نفر، بخش امنیتی ۵۵ نفر، بخش بهداشتی ۱۰۰ نفر و بخش فرهنگی ۱۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شد.

روش نمونه گیری به صورت نمونه گیری احتمالی، مطابق و تصادفی بوده است، به این صورت که ابتدا کل ادارات شهر به ۵ عنوان طبقه بندی شدند. سپس از میان هر طبقه به صورت تصادفی تعداد نمونه مورد نظر از ادارات مختلف انتخاب شدند.

ابزار گردآوری داده ها

ابزار گردآوری داده ها در این تحقیق پرسشنامه چند قسمتی بود، برای سنجش متغیر سرمایه اجتماعی از پنج شاخص اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، روابط همسایگی، روابط خانوادگی و عضویت در انجمن های داوطلبانه استفاده شد. سرمایه اجتماعی با استفاده از سؤالات تلفیقی و تعدیل شده چهار پرسشنامه استاندارد بات (۲۰۰۸)، مایکل و باسرت (۲۰۰۷)، تاورمینا (۲۰۰۹) و چلبی (۱۳۸۵)، اندازه گیری شد. اعتماد اجتماعی با نشانگرهای درستی، ریسک کردن، اطمینان کردن به اشخاص، گروهها و نهادها بوسیله ۲۲ گویه سنجیده شد. شاخص مشارکت اجتماعی با نشانگرهای شرکت در انتخابات، مراسم ها و نمایشگاه ها با استفاده از ۶ گویه سنجیده شد. شاخص روابط همسایگی با نشانگرهای میزان روابط با همسایگان، تعداد آنها، میزان نیاز به همدیگر، تعداد ملاقاتها در هفته و ماه با استفاده از ۷ گویه سنجیده شد. شاخص روابط خانوادگی با نشانگرهای میزان گفتگو بین والدین و فرزندان، حضور والدین در خانه، میزان همکاری متقابل با یکدیگر و میزان گردش با استفاده از ۶ گویه سنجیده شد. شاخص عضویت در انجمن های داوطلبانه با نشانگرهای میزان مشارکت در انجمن اولیاء و مربیان مدرسه، انجمن های محله، مسجد، باشگاه ها و... با استفاده از ۶ گویه سنجیده شد. همه گویه ها بر اساس طیف پنج درجه ای لیکرت (خیلی زیاد=۵ تا خیلی کم=۱) محاسبه شد.

پرسشنامه‌ی فوق‌پس از روایی محتوایی از نوع اعتبار صوری توسط چند تن از استادان و پایایی از طریق روش آلفای کرونباخ، مورد استفاده قرار گرفت. برای تعیین پایایی، پرسشنامه میان ۳۰ نفر از کارکنان که از جامعه آماری تحقیق به طور تصادفی انتخاب شدند، انجام گرفت. ضریب آلفای کرونباخ برای شاخص‌های اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، روابط همسایگی، روابط خانوادگی و عضویت در انجمن‌های داوطلبانه به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۳، ۰/۷۸، ۰/۸۲ و ۰/۸۷ بدست آمد.

برای سنجش متغیر قانون‌گریزی از پرسشنامه قانون‌گریزی تحقیق رضایی (۱۳۸۵) استفاده شد، در تحقیق رضایی برای سنجش متغیر قانون‌گریزی از سه شاخص قانون‌گریزی ابزاری، قانون‌گریزی اعتراضی و قانون‌گریزی اخلاقی استفاده شده است. قانون‌گریزی ابزاری و اعتراضی با سه سؤال و قانون‌گریزی اخلاقی با چهار سؤال سنجیده شده است. همه گویه‌ها بر اساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم=۵ تا کاملاً مخالفم=۱) محاسبه شده است (رضایی، ۱۳۸۵). پایایی پرسشنامه در تحقیق رضایی ۰/۸۸ محاسبه شد و در تحقیق حاضر پایایی قانون‌گریزی ابزاری، اعتراضی و اخلاقی به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۰ و ۰/۷۷ بدست آمد.

متغیر کنترل اجتماعی غیررسمی با استفاده از پرسشنامه کنترل اجتماعی غیررسمی تحقیق مبارکی (۱۳۸۸) سنجیده شد. این متغیر با نشانگرهای کنترل اجتماعی رفتار، زیر نظر گرفتن دیگران، حساس بودن نسبت به رفتارهای همدیگر و... با پنج سؤال استفاده شد. همه گویه‌ها بر اساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم=۵ تا کاملاً مخالفم=۱) محاسبه شده است (مبارکی، ۱۳۸۸). پایایی پرسشنامه در تحقیق مبارکی ۰/۸۸ محاسبه شده است و در تحقیق حاضر پایایی این متغیر ۰/۷۰ بدست آمد.

برای سنجش متغیر احساس انومی از سؤالات تلفیقی و تعدیل شده سه پرسشنامه کیم و همکاران (۲۰۱۰)، چلبی (۱۳۸۹) و کوثری (۱۳۸۴)، استفاده شد. متغیر احساس انومی با نشانگرهای عدم پابندی به قول و قرار، بی‌توجهی به قوانین، بی‌توجهی به ارزشهای اجتماعی، عدم رعایت حریم خصوصی و عمومی و... بوسیله ۸ گویه سنجیده شد. همه گویه‌ها بر اساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم=۵ تا کاملاً مخالفم=۱) محاسبه شد. پرسشنامه‌ی فوق‌پس از روایی محتوایی از نوع اعتبار صوری توسط چند تن از استادان و پایایی از طریق روش آلفای کرونباخ، مورد استفاده قرار گرفت. برای تعیین پایایی، پرسشنامه میان ۳۰ نفر از کارکنان

که از جامعه آماری تحقیق به طور تصادفی انتخاب شدند، انجام گرفت. ضریب آلفای کرونباخ برای متغیر احساس انومی ۰/۸۰ بدست آمد.

متغیرهای پژوهش

الف) سرمایه اجتماعی: پاتنام، سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیم چون اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه یک اجتماع می‌شود و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد (کتابی و دیگران، ۱۳۸۳). سرمایه اجتماعی از نظر پاتنام، یک رابطه پیوسته و متقابل بین شبکه اجتماعی، اعتماد و تعهد اجتماعی است.

بوردیو معتقد است که سرمایه اجتماعی بر ارتباط و مشارکت اعضای یک گروه توجه دارد. وی بیشتر به پیوندهای قوی و ضعیف و مشارکت اجتماعی توجه دارد. برای سنجش سرمایه اجتماعی از پنج شاخص اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، روابط همسایگی، روابط خانوادگی و عضویت در انجمن‌های داوطلبانه استفاده شده است.

ب) قانون‌گزینی: قانون‌گزینی نوعی جهت‌گیری نسبت به هنجارهای قانونی است که بر اساس آن فرد عدم پیروی از این هنجارها را به پیروی ترجیح می‌دهد. این جهت‌گیری حاصل ترجیح کنشگری است که تحت شرایط خاص محیطی شکل می‌گیرد (رضایی، ۱۳۸۵). به دلیل تنوع قانون‌گزینی‌ها و شرایط متفاوت ایجادکننده آن، قانون‌گزینی به سه نوع تقسیم بندی می‌شود که عبارتند از قانون‌گزینی ابزاری، اعتراضی و اخلاقی، که در زیر تعاریف آنها مطرح می‌گردد و نمره قانون‌گزینی حاصل جمع آنها می‌باشد.

۱- قانون‌گزینی ابزاری: در این نوع قانون‌گزینی، کنشگر در موقعیت کنش به محاسبه سود و زیان ناشی از عدم اطاعت می‌پردازد و آگاه است که کنش غیرقانونی در مجموع سود بیشتری برای او دارد (رضایی، ۱۳۸۵).

۲- قانون‌گزینی اعتراضی: بر عدم مشروعیت قانون نهادها و مجریان آن تأکید دارد. در این حالت شخص احساس می‌کند که صاحبان اقتدار یا کسانی که قانون را وضع می‌کنند حق مشروع اعمال زور و رفتار قانونی را ندارند.

۳- قانون‌گریزی اخلاقی: شخص عامدانه نسبت به قوانین جمعی موضع نمی‌گیرد بلکه او صرفاً بر اساس آنچه خود درست می‌پندارد عمل می‌کند. در چنین وضعیتی از نظر عامل کنش اصل چنین جهت‌گیری قانون‌گريزانه نیست، بلکه عمل فقط از نظر ناظر عمل قانون‌گریزی محسوب می‌شود.

ج) کنترل اجتماعی غیررسمی: مجموع وسایل و شیوه‌هایی است که با استفاده از آن یک گروه یا واحد اعضای خود را به پذیرش رفتارها، هنجارها، قواعد، سلوک و حتی آداب و رسومی منطبق با آنچه گروه مطلوب تلقی می‌کند سوق می‌دهد. کنترل اجتماعی غیررسمی یکی از اشکال فشار اجتماعی است (آلن بیرو، ۱۳۸۰) و با ابعاد کنترل اجتماعی رفتار، زیر نظر گرفتن دیگران و حساس بودن نسبت به رفتارهای همدیگر سنجیده می‌شود.

د) احساس آنومی: از نظر دورکیم که اولین بار این واژه را به کار برد، آنومی در شرایطی پدید می‌آید که در حوزه‌هایی از زندگی اجتماعی، معیارهایی برای راهنمایی رفتار موجود نداشته باشد، علت آشکار تحقق آنومی نیز به نظر دورکیم، تحولات شتابزده‌ی اقتصادی است و این نیز بدان سبب است که این تحولات نوعی بحران را در نظام ارزشی جامعه به دنبال می‌آورد، به نظر دورکیم آنومی معادل ضعف هنجارهای سنتی است بدون اینکه توسط هنجارهای جدید جایگزین شوند، در این وضعیت نیروهای اجتماعی آزاد هستند، مقررات اجتماعی ناقص، مرز بین ممکن و ناممکن ناشناخته است، موجه و ناموجه نامعلوم، ادعاها، امیدهای مشروع و افراطی مرز مشخصی ندارند (دورکیم، ۱۳۷۸).

شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS16 انجام شد، در سطح آمار توصیفی از فراوانی، درصد و میانگین استفاده شد. با توجه به این که بیشتر متغیرها در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفتند، در آمار استنباطی برای سنجش این متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. همچنین از آزمون رگرسیون یک متغیره و چند متغیره بهره گرفته شد.

یافته‌ها

توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت، از کل نمونه (۴۷/۹) درصد را مرد و (۵۲/۱) درصد را زنان تشکیل می‌دهند.

۱۶۲ / بررسی تاثیر بدبینی سازمانی بر تغییرات سازمانی در بین کارکنان بانک سپه سرپرستی جنوب تهران

توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل (۶۷/۹) درصد افراد مجرد، (۲۸/۲) درصد افراد متأهل و (۳/۹) درصد افراد بی همسر (بر اثر طلاق یا فوت همسر) می‌باشد.

نتایج همبستگی بین سرمایه اجتماعی و قانون‌گریزی در جدول (۱) ارائه گردیده است.

جدول ۱: ضرایب سرمایه اجتماعی در پیش‌بینی قانون‌گریزی

معنی‌داری	T	ضرایب استاندارد شده استاندارد شده بتا	ضرایب استاندارد نشده		مدل
			انحراف معیار	ضریب بی	
۰/۰۰۰	۲۰/۴۰۸	-	۲/۰۵۳	۴۳/۲۱۱	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۸/۰۳۹	-۰/۳۹۰	۰/۰۱۶	-۰/۱۲۷	سرمایه اجتماعی

$$R^2 = ۰/۱۵۱ \text{ و } F = ۶۴/۶۳۰$$

در جدول ضریب همبستگی بین سرمایه اجتماعی و قانون‌گریزی بیانگر رابطه منفی و معنی‌دار بین این دو متغیر می‌باشد و مقدار ثابت برابر ۴۳/۲۱۱ و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. همچنین ضریب پیش‌بینی قانون‌گریزی با توجه به متغیر سرمایه اجتماعی برابر -۰/۱۲۷ و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. معادله پیش‌بینی قانون‌گریزی از روی متغیر سرمایه اجتماعی به شرح زیر است:

$$\text{سرمایه اجتماعی} = ۴۳/۲۱۱ + (-۰/۱۲۷) \times \text{قانون‌گریزی}$$

نتایج همبستگی بین احساس انومی و قانون‌گریزی در جدول (۲) ارائه گردیده است.

جدول ۲: ضرایب آنومی در پیش بینی قانون گریزی

معنی داری	T	ضرایب استاندارد شده بتا	ضرایب استاندارد نشده		مدل
			انحراف معیار	ضریب بی	
۰/۰۰۰	۳/۹۲۷	-	۱/۷۳	۶/۵	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۱۱/۳۷۱	۰/۵۳۰	۰/۰۷۷	۰/۸۸۰	احساس آنومی

$$R^2 = ۰/۲۶۰ \text{ و } F = ۱۲۷/۰۳۷$$

در جدول ضریب همبستگی بین احساس آنومی و قانون گریزی بیانگر رابطه مستقیم و معنی دار بین این دو متغیر می باشد و مقدار ثابت برابر ۶/۵ و در سطح ۰/۰۵ معنی دار است. همچنین ضریب پیش بینی قانون گریزی با توجه به متغیر آنومی برابر ۰/۸۸۰ و در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. معادله پیش بینی قانون گریزی از روی متغیرهای مدل به شرح زیر است:

$$\text{سرمایه اجتماعی} = ۰/۸۸۰ + ۶/۵ \times \text{قانون گریزی}$$

نتایج همبستگی بین کنترل اجتماعی غیر رسمی و قانون گریزی در جدول (۳) ارائه گردیده است.

جدول ۳: ضرایب کنترل اجتماعی غیر رسمی در پیش بینی قانون گریزی

معنی داری	T	ضرایب استاندارد شده بنا	ضرایب استاندارد نشده		مدل
			انحراف معیار	ضریب بی	
۰/۰۰۰	۱۴/۹۱۳	-	۱/۴۸	۲۱/۷۰	مقدار ثابت
۰/۰۱۶	۲/۴۱۶	۰/۱۲۶	۰/۰۸۹	۰/۲۱۶	کنترل اجتماعی غیر رسمی

$$R^2 = ۰/۰۱۶ \text{ و } F = ۵/۸۳$$

در جدول ضریب همبستگی بین کنترل اجتماعی غیر رسمی و قانون گریزی بیانگر رابطه مستقیم و معنی دار بین این دو متغیر می باشد و مقدار ثابت برابر ۲۱/۷۰ و در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. همچنین ضریب پیش بینی قانون گریزی با توجه به متغیر کنترل اجتماعی غیر رسمی برابر ۰/۲۱۶ و در سطح ۰/۰۵ معنی دار است. معادله پیش بینی قانون گریزی از روی متغیرهای مدل به شرح زیر است:

$$\text{سرمایه اجتماعی } (۰/۲۱۶) + ۲۱/۷۰ = \text{قانون گریزی}$$

نتایج تحلیل رگرسیون بین قانون گریزی و متغیرهای تحقیق در جدول ۴ ارائه گردیده است.

جدول ۴: جدول تحلیل رگرسیون قانون‌گریزی به شیوه گام به گام بر حسب تمام متغیرها

sig	t	ضریب استاندارد	رگرسیون	ضریب زاویه	فرضیات	مدل
		β	انحراف معیار	b	تحقیق	
۰/۰۰۰	۳/۹۲۷	---	۱/۷۳۱	۶/۵۰۰	مقدار ثابت	۱
۰/۰۰۰	۱۱/۳۷	۰/۵۳۰	۰/۷۷	۰/۸۸۰	آنومی	
۰/۰۰	۴/۴۱۷	---	۲/۵۶	۱۱/۳۲۳	مقدار ثابت	۲
۰/۰۰	۹/۰۷۸	۰/۴۲۵	۰/۰۸۲	۰/۷۴۲	آنومی	
۰/۰۰	-	-۰/۲۳۸	۰/۰۱۴	-۰/۰۷۲	سرمایه اجتماعی	

جدول تحلیل رگرسیون قانون‌گریزی را با شیوه گام به گام و با استفاده از سه متغیر آنومی، سرمایه اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی در دو مرحله نشان می‌دهد.

نتایج نشان داد که در گام اول مقدار ثابت برابر ۶/۵۰۰ و ضریب پیش‌بینی آنومی برابر ۰/۸۸۰ و هر دو در سطح $P=۰/۰۰$ معنی‌دار می‌باشند و در این مرحله متغیر کنترل اجتماعی غیررسمی چون معنی‌دار نبوده، از مدل حذف شده است. در گام دوم و با ورود متغیر سرمایه اجتماعی، مقدار ثابت به ۱۱/۳۲۳ و ضریب پیش‌بینی آنومی به ۰/۷۴۲ تغییر پیدا کرده‌اند. ضریب پیش‌بینی سرمایه اجتماعی نیز منفی و برابر ۰/۰۷۲- است که در سطح ۰/۰۰۰ معنی‌دار است.

بنابراین معادله رگرسیونی برای پیش‌بینی قانون‌گریزی بر اساس متغیرهای مدل به شرح زیر است:

$$\text{آنومی} (۰/۷۴۲) + \text{سرمایه اجتماعی} (۰/۰۷۲) + ۱۱/۳۲۳ = \text{قانون گریزی}$$

همچنین در جدول، متغیر مستقل در شکل رگرسیونی قرار گرفتند که ضریب همبستگی چندگانه‌ی آنها با قانون‌گریزی برابر $R=۰/۵۵$ و ضریب تعیین برابر با $R^2=۰/۳۴$ بدست آمد. این ضریب بیانگر آن است که در حدود ۰/۳۴ از واریانس یا پراکندگی متغیر قانون‌گریزی توسط

متغیرهای موجود تبیین می گردد و بقیه‌ی واریانس پراکندگی، توسط متغیرهایی تبیین می - شود که در تحقیق وارد نشده است.

بحث و نتیجه گیری

مطابق یافته‌های تحقیق، سرمایه اجتماعی با قانون‌گریزی رابطه معکوس و معنی‌داری دارد که این نتیجه با نتایج تحقیق مبارکی (۱۳۸۸)، کتز و همکاران (۲۰۰۹)، مایکل و باسرت (۲۰۰۷) و کندی و همکارانش (۲۰۰۰) همخوان است و سایر تحقیقات به داده‌های خلاف این اشاره‌ای نداشتند. نتایج به این معنی است که هر چه سرمایه اجتماعی قوی‌تری وجود داشته باشد قانون‌گریزی کمتر خواهد بود یعنی اگر افراد متوجه شوند که منفعت بیشتری در تشکیل سرمایه اجتماعی گیر آنها خواهد آمد از میزان قانون‌گریزی خود خواهند کاست این موضوع با تئوری اختیار عاقلانه سازگاری دارد بر طبق تئوری انتخاب عقلانی، رفتار قانون‌گريزانه زمانی روی می‌دهد که یک فرد قانون‌گريز بعد از در نظر گرفتن عوامل شخصی و موقعیتی، تصمیم می‌گیرد قانون را زیر پا بگذارد. او قبل از ارتکاب به قانون‌گریزی با استفاده از استدلال عقلانی خطر دستگیری، وخامت، تنبیه مورد انتظار، ارزش بالقوه عمل قانون‌گريزانه و نیاز فوری خود به کسب سود را ارزیابی می‌کند و سپس چنانچه سود مورد انتظار بیشتر از هزینه آن باشد مرتکب قانون‌گریزی می‌شود و برعکس اگر فواید اقتصادی عمل کمتر از هزینه آن باشد از بروز رفتار قانون‌گريزانه صرف نظر می‌کند. به عبارتی دیگر، رفتار قانون‌گريزانه تابعی است از برآورد شرایط در مواقع مختلف. اگر در جامعه موانع کمتری برای قانون‌گریزی وجود داشته باشد افراد سود خالص خود را از قانون‌گریزی افزایش خواهند داد و این امر ممکن است ویژگی جوامع بی-نظم باشد. در نهایت، می‌توان گفت از آنجایی که شرط اساسی برای جامعه سالم، وجود اعتماد اجتماعی، مشارکت در فعالیت‌های جامعه، روابط خانوادگی و همسایگی گرم و عضویت در فعالیت‌های مشترک ملی می‌باشد در صورت عدم وجود این شرایط میزان قانون‌گریزی‌ها افزایش خواهد یافت، در چنین شرایطی بر اساس تئوری انتخاب عقلانی کنشگران دست به حساب‌گری‌های مادی خواهند زد و فقط به فکر منفعت فردی خود خواهند بود، چرا که با انجام رفتار غیرقانونی هیچ نوع هزینه‌ای متوجه آنها نبوده و برعکس کارهای خود را با هزینه کمتری به انجام خواهند رساند، در صورت وجود سرمایه اجتماعی، افراد اغلب دچار قانون-گریزی نمی‌شوند به خاطر اینکه با انجام آن شبکه روابط خود را از دست داده و از طرف کسانی که با آنها رابطه داشته‌اند، طرد می‌شوند.

علاوه بر یافته‌های فوق، نتایج نشان داد که اگرچه سرمایه اجتماعی به طور مستقیم بر روی قانون‌گریزی تأثیر می‌گذارد ولی این متغیر بیشترین تأثیرش را بر روی قانون‌گریزی از طریق آنومی و به طور غیر مستقیم می‌گذارد، بدین صورت که هرچقدر میزان سرمایه اجتماعی افراد در جامعه کاهش یابد، آنومی در آن جامعه افزایش یافته و افراد قانون‌گریزی بیشتری از خود نشان خواهند داد.

نتایج نشان داد که احساس آنومی با قانون‌گریزی ارتباط مستقیم دارد یعنی با افزایش آنومی قانون‌گریزی نیز افزایش می‌یابد که این نتیجه با نتایج تحقیق فخرایی (۱۳۷۵)، کوثری (۱۳۸۴) و کیم و همکاران (۲۰۱۰) همخوان است و سایر تحقیقات به داده‌های خلاف این اشاره‌ای نداشتند که این مسئله در راستای تئوری آنومی دورکیم قرار دارد. با استنباط از تئوری آنومی دورکیم، سرمایه اجتماعی می‌تواند با قانون‌گریزی رابطه معکوس داشته باشد.

ایده اصلی دورکیم در این زمینه آن بود که زندگی بدون وجود الزامات اخلاقی، تحمل‌ناپذیر می‌شود و در نهایت به شکل‌گیری پدیده آنومی می‌انجامد که اغلب مقدمه‌ای برای دست‌یازیدن افراد به خودکشی و انواع قانون‌گریزی‌ها است. می‌توان دریافت که دورکیم مفهوم آنومی را با اشاره به این نکته ابداع کرده که در جوامع امروزی، معیارها و هنجارهای سنتی، وضعیتی در حال تضعیف دارد، بی‌آنکه هنجارهای جدید جایگزین آن گردد. در نگاه او، بی‌هنجاری در شرایطی پدید می‌آید که در حوزه‌های معینی از زندگی اجتماعی، معیارهایی روشن برای راهنمایی رفتار وجود نداشته باشد، به این صورت که تعهدات قوی نسبت به نظم هنجاری احتمالاً با اعتماد وسیع توأم می‌باشد زیرا هنگامی که مردم به یکدیگر اعتماد داشته باشند، می‌توانند مطمئن باشند که الزامات متقابل عمل خواهد شد و هنجارها اطاعت خواهند شد، در مقابل زمانی که مردم شکاکیت زیادی داشته باشند ایمان کمی به نیروی نظارتی هنجارها خواهند داشت زیرا هنجارهای اجتماعی دچار پریشانی شده و فرد برای هماهنگ شدن با آنها دچار سردرگمی می‌شود. لذا فرد در وضعیتی قرار می‌گیرد که به درون خویشتن پناه می‌برد و بدبینانه پیوندهای اجتماعی را نفی می‌کند و اعتماد اجتماعی که لازمه آن وجود ضمانت‌های هنجاری متقابل می‌باشد کاهش یافته و افراد مشارکت کمتری در اجتماع خواهند داشت به خاطر این که مورد استثمار قرار گرفتن توسط دیگران وجود دارد. در نتیجه سرمایه اجتماعی کاهش یافته و باعث افزایش انواع قانون‌گریزی‌ها خواهد شد. بنابراین سطح سرمایه اجتماعی در

جامعه به طور معکوس با آنومی رابطه دارد و آنومی نیز با قانون‌گریزی رابطه مستقیمی دارد که با دیدگاه تئوریک آنومی مرتن نیز مطابقت می‌نماید.

همچنین نتایج نشان داد که برخلاف رابطه فرض شده قبلی بین کنترل اجتماعی غیررسمی و قانون‌گریزی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد که با چهارچوب تئوریک همخوانی نداشت، که ممکن است به این دلیل باشد که چون شهر خرم‌آباد دارای ارزش‌ها و فرهنگ منطقه‌ای و خاص خود می‌باشد، ممکن است این عامل نیز به عنوان بخشی از درک افراد نسبت به کنترل اجتماعی و برداشت افراد از سؤالات مقیاس کنترل اجتماعی بر جریان تحلیل‌های آماری تأثیراتی منفی گذاشته باشد. از نگاهی دیگر می‌توان گفت که هر چه قانون‌گریزی بیشتری از فرد سر زده احساس کنترل اجتماعی بیشتری بر روی رفتارهای خود داشته و این احساس پس از ارتکاب قانون‌گریزی روی داده و جنبه پسینی داشته نه پیشینی، یعنی افراد قانون‌گریز حساسیت زیادی نسبت به وجود کنترل اجتماعی غیررسمی بر روی رفتارهایشان نشان می‌دهند و همین عامل باعث بالا رفتن نمرات کنترل اجتماعی آنها شده است.

با توجه به تأثیر سرمایه اجتماعی بر قانون‌گریزی، پیشنهاد می‌شود جهت تقویت سرمایه اجتماعی، خانواده‌ها و مدارس با تقویت اعتماد متقابل در دوران کودکی و آموزش و بالا بردن مهارت‌های ارتباطی و جامعه‌پذیرکردن افراد نقش اساسی در کاهش انواع قانون‌گریزی داشته باشند و فرهنگ مشورت و بحث و گفتگو در مدارس و خانواده‌ها را توسعه داده و افراد را متوجه این امر کنند که این مسئله باعث گسترش تجربه اجتماعی آنها خواهد شد. همچنین تقویت روابط اعضای خانواده توسط والدین و صرف وقت بیشتری برای بررسی مشکلات خانواده و گفتگو در مورد موضوعات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و علمی، باعث افزایش اعتماد و صمیمیت بین اعضای خانواده خواهد شد. رسانه‌های جمعی نیز در تقویت سرمایه اجتماعی نقش مهمی دارند و می‌بایست با پخش برنامه‌های مناسب به تقویت اعتماد و مشارکت اجتماعی در سطح جامعه پرداخته و فواید شرکت مردم در فعالیتهای دسته‌جمعی را تبلیغ کنند.

تقدیر و تشکر

این تحقیق با استفاده از اعتبارات دانشگاه پیام‌نور انجام شده، لذا از حمایت مادی و معنوی دانشگاه پیام‌نور خرم‌آباد از این تحقیق قدردانی می‌شود، همچنین از همکاری کارکنانی که با پژوهشگر همکاری داشتند، تشکر می‌شود.

منابع

الف - فارسی

۱. بیرو، آلن. (۱۳۸۰). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه ی باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان، چاپ دوم.
۲. پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰). سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران: شیرازه، چاپ اول.
۳. پاتنام، رابرت. (۱۳۹۱). سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی، ترجمه ی افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
۴. چلبی، مسعود. (۱۳۸۹). جامعه شناسی نظم، تهران: نشر نی. چاپ چهارم.
۵. چلبی، مسعود. (۱۳۸۵). تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نشرنی، چاپ اول.
۶. حاجی خیاط، علیرضا. (۱۳۹۲). بررسی میزان قانون پذیری فرهنگیان تبریز. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.
۷. دواس، دی. ای. (۱۳۸۵). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه ی هوشنگ نائبی، چاپ اول، تهران: نشر نی.
۸. رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۴). کند و کاوها و پنداشته ها، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۹. رضایی، محمد. (۱۳۸۵). میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون گریزی. مجله انجمن جامعه شناسی ایران، ۶ (۳)، ۷۶-۸۸.
۱۰. ساروخانی، باقر. (۱۳۷۸). روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۱. ساعی، علی. (۱۳۷۷). آمار در علوم اجتماعی با کاربرد نرم افزار spss/pc+ در پژوهش های اجتماعی، تهران: موسسه نشرجهاد دانشگاهی، چاپ دوم.
۱۲. سرمد، زهره. (۱۳۸۰). روشهای تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگاه.

۱۳. سوری، علی. (۱۳۹۱). سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی. مجله تحقیقات اقتصادی، ۲ (۶۹). ۱۰-۲۳.
۱۴. شارع پور، محمود. (۱۳۸۸). فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، تهران: نشر کلمه.
۱۵. شیرینی، طهمورث. (۱۳۹۰). بررسی علل و عوامل مؤثر بر پدیده قانون گریزی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تحقیقات تهران.
۱۶. عبدالمهی، محمد. (۱۳۸۳). موانع قانون گرایی در ایران. نشریه فرهنگ عمومی. ۲(۲)، ۷۶-۶۴.
۱۷. عبدی، عباس. (۱۳۸۱). نارسایی های قانون و حقوق در فرهنگ عمومی در معماری حاکمیت قانون در ایران، تهران: طرح نو.
۱۸. فخرایی، سیروس. (۱۳۸۶). بررسی میزان قانون پذیری و عوامل مؤثر بر آن در شهر تبریز. پیک نور علوم انسانی، ۵(۱)، ۱۱۱-۱۲۲.
۱۹. کوثری، مسعود. (۱۳۸۴). آنومی اجتماعی در اجتماعات مجازی. مطالعات فرهنگی و ارتباطات. ۱(۳و۲)، ۱۹۴-۱۷۱.
۲۰. کوزر، لوئیس؛ برنارد، روزنبرگ. (۱۳۹۱). نظریه های بنیادی جامعه شناختی، ترجمه ی فرهنگ ارشاد، تهران: نی.
۲۱. مبارکی، مسعود. (۱۳۸۸). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطح کلان و خرد، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
۲۲. مولوی، حمید. (۱۳۹۲). راهنمای عملی در spss-13-14 در علوم رفتاری. تهران: انتشارات ویرایش اندیشه.

ب - انگلیسی

1. Alder P., & Kwon, S. (2002). Social Capital; Prospects For a New Concept. |Academy of Management Review, 27(1), 17-40.
2. Batt, P J. (2008). Build ing A Social Capital In Networks. Journal of Industrial Marketing Management, 37(1), 487-491.
3. Chiricos, T. (1997). Crime.news and fear of crime: to ward an identification of audience effects. Journal of Sociology, 18(7), 203-210.

4. Dempsey, K. (1990). *Smalltown: a study of social inequality, cohesion and belonging-* melbourn: oxford university press.
5. Ferguson, K.M., & Chales H.M. (2007). Modeling Fear of Crime in Dallas Neighborhoods: A Test of Social Capital Theory, *Crime & Delinquency*, 53(2), 322-349.
6. Fukuyama, F. (1995). *Trust: Social Virtues And the Creation of Prosperity*. New York: Free Press.
7. Gert, V.b. (2005). feeling safe and secure in the risk society. *Journal of Psychos Med*, 30(4), 243- 264.
8. Katz, S., & Rebecca, S. (2009). Re-examining the Integrative Social Capital Theory of Crime Western. *Criminology Review*, 4(1), 30-54.
9. Kenedy M, Clerici C. (2000). Different Measures of Vulnerability in Their Relation to Different Dimensions of Fear of Crime, *Proquest Social Science Journals*. 40(3), 437-450.
10. Kim, S., & Willim, A. (2010). Social Change, Institutional Anomie and Serious Property Crime in Transitional Russia. *The British Journal of Criminology*, 45(1). 81-97.
11. Lambropoulo, E. (2007). Citizen's Safety, Business Trust and Greek Police, *International Review of Administrative Science*, Sage Publications, 70 (1):89-110.
12. Merry, S. (2012). Fear of Crime in Italy spread & Determinations. *Environment and Behavior*, 36(6), 776-789.
13. Mitchel, A.D., & Bossert, T.J. (2007). Measuring Dimensions of Social Capital: Evidence From Surveys In Poor Communities In Nicaragua . *Social Science And Medicine*, 64, 50-63.
14. Neuman, W.L. (2002). *Social Research Method*. London: Allyn and Bacon.
15. Renato M, Michele R, Rosalba R. (2004). Fear of Crime in Italy spread & Determinations. *Environment and Behavior*, 36 (6), 776-789.
16. Renauer, B.C. (2013). Reducing Fear of Crime: Citizen, Police, or Government Responsibility?. *The Journal of Police Quarterly*, 10(1), 41-62.
17. Smith, S. (2002) .Concept Security before and after september 11. Institute of Denfence and Strategic Studies Singapore, May. *Journal of The Contested Concept of Security*. 32 (2):65-75.

18. Stanko, E. (2013). The Case of Fearful Woman: Gender, Personal Safety and Fear of Crime. *Woman and Criminal Justice*, 4(1), 22-27.
19. Stone, W., & Hughes, T. (2002). Measuring Social Capital; Towards A Standardish Approach. Australian Institute of Family Studies Wollongong.
20. Tavormina, J. B. (2009). Power Relationships In Families: A Social Exchanging Perspective. *Family Process*, 17, 423-435.
21. Thio, A. (2001). *Deviant Behavior*. 6th ed: Boston.